

نگاهی به یک ترانه عامیانه

«نِنا پمبه جار نشومبه»

ترانه‌ای از دوران شکوه پنبه در سرزمین طلای سفید



■ رحمت‌اله رجایی
روزنامه‌نگار،
پژوهشگر تاریخ محلی

■ مقدمه

ترانه‌ها ریشه در زندگی و حیات بشری دارند و آدمیان گاه و بیگاه به مناسبت‌های مختلف آن را زمزمه می‌کردند. از لابه‌لای بسیاری از ترانه‌ها می‌توان آرزوها، آلام و رنج‌ها، جدائی، عشق و ... انسان‌ها را شناخت. مطالعه ترانه‌ها به ما در شناسایی زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بشر کمک می‌کنند. از جمله این ترانه‌ها، نواهایی هستند که اهالی سرزمین گرگان (استان گلستان) درباره محصولات کشاورزی هم‌چون شالی، پنبه، ... سروده و بسیاری از شالی‌کاران و پنبه‌کاران آن‌ها را در حین کار زمزمه می‌کردند. این مقاله در معرفی یکی از ترانه‌های معروف سرزمین گرگان (استان گلستان) و نواحی شرقی استان مازندران نگاشته شده است. این نوشتار هنوز کامل نشده، از این‌رو از خوانندگان مطلع می‌خواهم اگر نظر، شعر و ... مرتبط با «ترانه ننا پنبه جار نشومبه» و این مقاله دارند، با نویسنده و یا دفتر نشریه فصل‌نامه میرداماد در میان بگذارند.

■ **نَیْنَا پَنبِه جَار نَشُومِبِه**

یکی از ترانه‌های عامیانه (Folk) مشهور «نَیْنَا پَنبِه جَار نَشُومِبِه» است، که در دوره‌های مختلف مورد توجه قرار داشته و تاکنون خوانندگان متعددی آن را اجراء کرده‌اند. بر اساس ملودی این ترانه، آوازهای مختلفی هم خوانده شده، که ترانه «نَیْنَا شالِیجار نَشُومِبِه / وجین نشا نَشُومِبِه» یکی از آن‌هاست.

ترانه «نَیْنَا پَنبِه جَار نَشُومِبِه» ریشه در سال‌های اواخر دهه‌ی چهل و ابتدای دهه پنجاه خورشیدی دارد؛ سال‌هایی که زراعت پنبه در شرق استان مازندران - به خصوص منطقه گرگان و دشت - که امروز استان گلستان نامیده می‌شود، بسیار رایج بود و هزاران هکتار از زمین‌های زراعی آن زیر کشت پنبه می‌رفت و منطقه گرگان به «سرزمین طلای سفید» شهرت داشت. علاوه بر این، در این سال‌ها با تأسیس رادیو گرگان و سپس راه‌اندازی اداره فرهنگ و هنر در این شهر، تلاش‌های بسیار در اجراء، ثبت و ضبط ترانه‌های محلی انجام می‌شد. در همین سال‌ها ترانه‌های مختلفی درباره پنبه سروده و خوانده شد، که ترانه پنبه‌زار کتولی به شرح ذیل یکی از آن‌هاست. «پنبه جَار بیتمه کاله زمین ر» یکی دیگر از ترانه‌های مشهور مربوط به پنبه است، که سروده و خوانده می‌شد. اما مشهورترین ترانه پنبه مربوط به سال‌های شکوفائی کشت پنبه در سرزمین طلای سفید «نَیْنَا پَنبِه جَار نَشُومِبِه» است. ترانه «نَیْنَا پَنبِه جَار نَشُومِبِه» نخستین بار توسط مصطفی صداقت کیش معروف به «مصطفی گزی»، از اهالی روستای گز غربی (شهرستان بندرگز) سروده و خوانده شد. او از جمله خوانندگان محلی بود که ضمن اشتغال به زراعت در نواختن فلوت (شمشاد)، سرودن ترانه و خوانندگی توانا بود. وی اگرچه با نئ آشنا نبود، ولی بسیار خلاق بود. درواقع مصطفی صداقت کیش شاعر، نوازنده و آهنگساز بود و زنان را در موسیقی به کار می‌گرفت. در هر روستایی که کار می‌کرد با توجه به توانایی که داشت درباره آن روستا شعر می‌سرود و آن را می‌خواند.

تا قبل از انقلاب سال ۵۷ مالکان جهت تهییج کارگران در وجین و چیدن مزارع پنبه، هنرمندان محلی را به کار می‌گرفتند تا به تشویق آن‌ها در حین کار بپردازند. مصطفی گزی از جمله هنرمندانی بود که به هنگام وجین و برداشت پنبه، اقدام به خواندن و نواختن فلوت (شمشاد) برای کارگران در مزارع پنبه می‌کرد و برخی از مالکان، به او حتی ۵ الی ۶ برابر کارگران معمولی اجرت و مزد می‌دادند. مصطفی گزی ترانه‌های بسیاری خوانده، که یکی از مشهورترین آن‌ها «نَیْنَا پَنبِه جَار نَشُومِبِه» است. او هرگز به رادیو نفت، از این رو اثری از وی باقی نمانده است. مصطفی گزی بعدها برای خود کمباین خرید و در جمع آوری گندم (درو) مشغول به کار شد.

بعدها اسماعیل کشیری از اهالی روستای چهارده شهرستان کردکوی، این ترانه را شنیده و آن را در اختیار محمد رادکانی دانش آموز خوش صدای دبیرستان ایرانشهر گرگان قرار داده و او آن را خواند و برای نخستین بار در رادیو گرگان بر روی صفحه گرامافون ضبط شد.

محمد رادکانی، ترانه «نَیْنَا پَنبِه جَار نَشُومِبِه» را در دستگاه سه‌گاه با تنظیم محمدرضا لطفی و گروه نوازندگان شامل آقایان یحیی قاسمی، جواد داوری، جمشید داوری (تنبک)، ابوک و محمدرضا لطفی در رادیو گرگان اجرا کرده و این ترانه توسط منوچهر قاضی ضبط شد.

ترانه «نَیْنَا پَنبِه جَار نَشُومِبِه» درباره دختر زاغه‌مرزی بود که اولین بار توسط مصطفی صداقت کیش (گزی) سروده و خوانده شد. زاغه‌مرز یکی از روستاهای شهرستان بهشهر استان مازندران است، که اهالی آن از گُردهای مهاجر

هستند. مزارع این روستا در سال‌های دهه چهل و پنجاه به کشت پنبه اختصاص می‌یافت و برخی از مالکان برای وجین و چیدن پنبه، کارگران روزمزد از روستاهای اطراف بندرگز و کردکوی به آن‌جا می‌آوردند. در همین مزارع پنبه بود که مصطفی صداقت کیش ترانه «نِنا پنبه جار نَشومِبِه» را اولین بار، برای کارگران خواند، که بعدها با صدای محمد رادکانی در رادیو گرگان ضبط شد. ترانه «نِنا پنبه جار نَشومِبِه» مثل بسیاری از ترانه‌ها، حکایت عشق و جدائی است، که به دل بسیاری از جوانان آن روزگار می‌نشست.

نِنا پنبه جار نَشومِبِه

به خاطر یار نَشومِبِه

زاغه مرز مَله تنگ تنگه زوبار نِنا پنبه جار نَشومِبِه

زاغه مرز کیجا مست تَلنبار نِنا پنبه جار نَشومِبِه

نِنا پنبه جار نَشومِبِه

به خاطر یار نَشومِبِه

تِه خودت بَنوتی من بوم تی یار نِنا پنبه جار نَشومِبِه

چه و عاشقی ره بیشتی کنار نِنا پنبه جار نَشومِبِه

نِنا پنبه جار نَشومِبِه

به خاطر یار نَشومِبِه

این ترانه توصیفی از روستای زاغه‌مرز و دختر (کیجا) زاغه‌مرزی است، که در ابتدا قول عاشقی می‌دهد، اما مدتی بعد عاشقی را کنار می‌گذارد و خواننده این سؤال را مطرح می‌کند که چرا عاشقی را کنار گذاشت؟ ترانه با توجه به فضای آن سال‌ها و پخش مکرر از رادیوهای گرگان و تهران، خیلی سریع مشهور و ورد زبان گردید، همین امر سبب شد تا افرادی با استفاده از ملودی اصلی، اشعار آن را عوض کرده و با شعرهای خود آن را زمزمه کنند. هم اکنون هم، اگرچه خوانندگانی به خصوص در استان‌های مازندران و گلستان به اجرای آن می‌پردازند، ولی بیش از همه می‌توان آن را از زبان زنان کارگر - به‌ویژه در مزارع پنبه - شنید، که قصه‌ی پُرغصه‌ی خود را با آهنگ آن شرح می‌دهند. چنان‌که من آن را در پنبه‌چینی پاییز ۱۴۰۱ در روستای سیدمیران واقع در غرب گرگان شنیدم. آن‌ها در حالی که پنبه می‌چیدند و داخل پیش‌دامن‌های خود می‌ریختند، نوبت به نوبت آواز هم می‌خواندند و بقیه هم به صورت دست‌جمعی آن‌ها در اول و آخر همراهی می‌کردند. برخی از اشعار آن‌ها به شرح ذیل است:

(۱)

نِنا پنبه جار نَشومِبِه

به خاطر یار نَشومِبِه

اَمسال پنبه‌ها، گَت، گَتِه غوزه نِنا پنبه جار نَشومِبِه

اَمسال پسرها هستند بی غَرزه نِنا پنبه جار نَشومِبِه

نانماز خواندند، ناگیرند روزه نِنا پنبه جار نَشومِبِه

تقلا کنندن بَیرن نامزه نِنا پنبه جار نَشومِبِه

نِنا پنبه جار نَشومِبِه

به خاطر یار نَشومِبِه

(۲)

نَناپنبه جار نَشومِبِه

به خاطر یار نَشومِبِه

شِمه نال بن اسپه انجیل دار نَناپنبه جار نَشومِبِه

ته مار روشن کنده نفتی سماور نَناپنبه جار نَشومِبِه

وه درست ها کرده، دِتا شیرین دار نَناپنبه جار نَشومِبِه

یکی بِخورم، یکی منه یار نَناپنبه جار نَشومِبِه

نَناپنبه جار نَشومِبِه

به خاطر یار نَشومِبِه

(۳)

نَناپنبه جار نَشومِبِه

به خاطر یار نَشومِبِه

شِمه خانه پشت، جِفته آنجیل دار نَناپنبه جار نَشومِبِه

خواخراها نیشبینند قطار به قطار نَناپنبه جار نَشومِبِه

اول تِه گَت خواخرا، دوم منه یار نَناپنبه جار نَشومِبِه

الهی بَمیره تِه گته برار نَناپنبه جار نَشومِبِه

نَناپنبه جار نَشومِبِه

به خاطر یار نَشومِبِه

(۴)

نَناپنبه جار نَشومِبِه

به خاطر یار نَشومِبِه

إنار چله ره، چِل هدامه چِل نَناپنبه جار نَشومِبِه

همه ی حرف هاره دِل هدامه دِل نَناپنبه جار نَشومِبِه

ترسم بَمیرم بُروم زیر گِل نَناپنبه جار نَشومِبِه

تِنه آرزو بمانه مه دِل نَناپنبه جار نَشومِبِه

نَناپنبه جار نَشومِبِه

به خاطر یار نَشومِبِه

(۵)

نَناپنبه جار نَشومِبِه

به خاطر یار نَشومِبِه

اول بهار چکوها کرده دار نَناپنبه جار نَشومِبِه

روانه بهیمی تِه مار تیم جار ناپنبه جار نَشومِیه
 گالش گودر شونه سمت شالِجار ناپنبه جار نَشومِیه
 منوته داشتیمی یک قول وقرار ناپنبه جار نَشومِیه
 ناپنبه جار نَشومِیه
 به خاطریار نَشومِیه
 (۶)

ناپنبه جار نَشومِیه
 به خاطریار نَشومِیه
 تپه تپه صرا، آنده هِرستم ناپنبه جار نَشومِیه
 بَنوشه بَیرم تن وه بَیرستم ناپنبه جار نَشومِیه
 بَنوشه بحر من بوئی ندارنه ناپنبه جار نَشومِیه
 منوتن عاشقی، سوئی ندارنه ناپنبه جار نَشومِیه
 ناپنبه جار نَشومِیه
 به خاطریار نَشومِیه
 (۷)

ناپنبه جار نَشومِیه
 به خاطریار نَشومِیه
 مسلمان مِرِه باکارد بَگوشین ناپنبه جار نَشومِیه
 من گوشته بَورین دهات بروشین ناپنبه جار نَشومِیه
 من گوشته نورین دهات به دهات ناپنبه جار نَشومِیه
 همه ره کم هادین، من یارده زیاد ناپنبه جار نَشومِیه
 ناپنبه جار نَشومِیه
 به خاطریار نَشومِیه
 (۸)

ناپنبه جار نَشومِیه
 به خاطریار نَشومِیه
 دم سرباز خانه باد می زنه باد ناپنبه جار نَشومِیه
 سرباز بیچاره داد می زنه داد ناپنبه جار نَشومِیه
 سرباز بیچاره مادر نداره ناپنبه جار نَشومِیه
 پدر سرباز خبر نداره ناپنبه جار نَشومِیه
 ناپنبه جار نَشومِیه
 به خاطریار نَشومِیه

(۹)

نَپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

بِه خَاطِرِ یَارَنَشُومِبِه

نِماشائی بُونِه شُومِبِه گوگردی نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

مَن رِه ور بخردی سِرَخِه گلبندی نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

سِرَخِه گلبندی رِه کُمبِه اِشارِه نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

یک رویش ماه بیه یک روستاره نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

بِه خَاطِرِ یَارَنَشُومِبِه

(۱۰)

نِماشائی بُونِه شُومِبِه خاله وه نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

بازوبند گیرمه هر دوباله وه نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

بازوبند گیرمه غرق ابریشم نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

دلبر جان بال دُون مَن تِه رهارشم نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

بِه خَاطِرِ یَارَنَشُومِبِه

(۱۱)

نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

بِه خَاطِرِ یَارَنَشُومِبِه

ستاره آسمان نقش زمینه نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

خودم انگشتر یارم نگینه نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

خداوندانگهدار نگین باش نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

که یار اول و آخر همینه نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

(۱۲)

نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

بِه خَاطِرِ یَارَنَشُومِبِه

اِسپِه جامه بَیمِه، آبی بَیمِه نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

دل نخاسته بَیمِه، راضی بَیمِه نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

هم مار مرهدا غریب ولایت نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

از دست خوش مار دارمه شکایت نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

نِپَنبِه جَارَنَشُومِبِه

بِه خَاطِرِ یَارَنَشُومِبِه

(۱۳)

نَناپنبه جار نَشومِیه

به خاطر یار نَشومِیه

کلاغ سرسیاه، خال خاله گردن نَناپنبه جار نَشومِیه

دِتا نامه دارمه بَور من وطن نَناپنبه جار نَشومِیه

اگر مار بیسی از حال فرزند نَناپنبه جار نَشومِیه

بئوزرده زاره در حال مردن نَناپنبه جار نَشومِیه

نَناپنبه جار نَشومِیه

به خاطر یار نَشومِیه

(۱۴)

نَناپنبه جار نَشومِیه

به خاطر یار نَشومِیه

پسر عمو گل یک دانه من نَناپنبه جار نَشومِیه

ته گُشیت بَکن بیادر خانه ی من نَناپنبه جار نَشومِیه

ته گُشیت بَکن بیابروی قالی نَناپنبه جار نَشومِیه

دِتا انگشترم ده یادگاری نَناپنبه جار نَشومِیه

نَناپنبه جار نَشومِیه

به خاطر یار نَشومِیه

(۱۵)

نَناپنبه جار نَشومِیه

به خاطر یار نَشومِیه

آمه پشته خانه انجیل تپته نَناپنبه جار نَشومِیه

منه گوش گوشوار زنجیر دکته نَناپنبه جار نَشومِیه

منه گوش گوشوار زنجیر طلائه نَناپنبه جار نَشومِیه

اگه پیدا نوی کار خدائه نَناپنبه جار نَشومِیه

نَناپنبه جار نَشومِیه

به خاطر یار نَشومِیه

(۱۶)

نَناپنبه جار نَشومِیه

به خاطر یار نَشومِیه

عجب باد شمال داره سید میران نَناپنبه جار نَشومِیه

عجب جفت چنار داره سیدمیران نِنا پنبه جار نَشومِیه
چنار سیدمیران سایه بیرم نِنا پنبه جار نَشومِیه
پسر سیدمیران نامزه بیرم نِنا پنبه جار نَشومِیه
ننا پنبه جار نَشومِیه
به خاطر یار نَشومِیه

این ترانه نخستین بار توسط آقای مصطفی صداقت کیش (گری) خوانده شده است. اما علت شهرت و رواج آن در منطقه‌ی گرگان، اجرای آن در رادیو گرگان بود، که مشخصات اجرای رادیویی این ترانه به شرح زیر است:

نام ترانه: نِنا پنبه جار نَشومِیه

شعر و آهنگ: مصطفی صداقت کیش - تنظیم محمدرضا لطفی

خواننده: محمد رادکانی - نوازندگان: یحیی قاسمی، جواد داوری و داریوش ابوک

ضبط: استودیو رادیو گرگان (منوچهر قاضی)



گروه موسیقی ایران شهر گرگان

از راست: محمدرضا لطفی (ویولن)، جواد داوری (سنتور)، جمشید داوری (تنبک)، زیداله طلوعی (تار)،

محمد رادکانی (خواننده)

■ **یادآوری:** در تهیه این مقاله و اشعار آن، آقای نورعلی جعفری و خانم شهربانو ساورعلیا با این جانب همکاری داشتند، که از ایشان تقدیر و تشکر بسیار دارم.

■ منابع

- گفت‌وگو با محمدتقی رفیع زاده متولد ۱۳۲۳ خواننده.

- گفت‌وگو با ابوالفضل امیرلطیفی، نوازنده.

- فصل نامه استارباد زمستان ۱۳۹۹ شماره ۲۰.

- بزرگر، محمدرضا. فرهنگ نامه موسیقی کتولی. قم انتشارات چاپکو ۱۴۰۳.